

فارس هشتمی



مؤلف :
حمید طالب تبار

فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۰۵	بخش دوم (بررسی دانش‌های ادبی و زبانی) -----	۷	بخش اول (معنی شعرها و نثرها) -----
۱۰۶	درس اول: ساختار زبان -----	۹	ستایش -----
۱۰۷	تمرین‌های مربوط به زبان و ساختار آن -----	۱۶	درس اول: پیش از اینها -----
۱۰۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به زبان و ساختار آن -----	۲۱	حکایت: به خدا چه بگویم؟ -----
۱۱۰	پاسخ تشریحی تمرین‌های مربوط به زبان و ساختار آن -----	۲۲	درس دوم: خوب جهان را ببین -----
۱۱۱	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به زبان و ساختار آن -----	۲۷	صورتگر ماهر -----
۱۱۲	درس دوم: تشبیه -----	۲۹	روان‌خوانی: جوانه و سنگ -----
۱۱۳	تمرین‌های مربوط به آرایه تشبیه -----	۳۲	درس سوم: ارمغان ایران -----
۱۱۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به آرایه تشبیه -----	۳۷	حکایت: فوت کوزه‌گری -----
۱۱۶	پاسخ تشریحی تمرین‌های مربوط به آرایه تشبیه -----	۳۸	درس چهارم: سفر شکفتن -----
۱۱۷	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به تشبیه -----	۴۱	شعرخوانی: شوق مهدی (عج) -----
۱۱۸	درس سوم: واج‌آرایی -----	۴۴	درس پنجم: آزاد -----
۱۱۹	تمرین‌های مربوط به آرایه واج‌آرایی -----	۴۶	درس ششم: راه نیک‌بختی -----
۱۲۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به آرایه واج‌آرایی -----	۴۹	درس هفتم: آداب نیکان -----
۱۲۲	پاسخ تشریحی تمرین‌های مربوط به آرایه واج‌آرایی -----	۵۷	حکایت: خودشناسی -----
۱۲۳	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به واج‌آرایی -----	۵۸	درس هشتم: آزادگی -----
۱۲۴	درس چهارم: جمله، فعل و نقش‌های دستوری -----	۶۲	روان‌خوانی: آقامهدی -----
۱۲۸	تمرین‌های مربوط به جمله، زمان فعل، فعل‌های گذرا و ... -----	۶۴	درس نهم: نوجوان باهوش و ... -----
۱۳۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای جمله، فعل و ... -----	۶۸	درس دهم: قلم سحرآمیز -----
۱۳۷	پاسخ تشریحی تمرین‌های مربوط به جمله، فعل و .. -----	۶۹	دونامه: -----
۱۳۹	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای جمله، فعل و ... -----	۷۱	حکایت: نام خوش‌بو -----
۱۴۵	درس ششم: ادبیات اندرزی یا تعلیمی -----	۷۲	درس یازدهم: پرچم‌داران -----
۱۴۶	تمرین‌های مربوط به ادبیات اندرزی یا تعلیمی -----	۷۵	شعرخوانی: ای وطن من -----
۱۴۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به ادبیات تعلیمی -----	۸۰	درس دوازدهم: شیر حق -----
۱۴۹	پاسخ تشریحی تمرین‌های مربوط به ادبیات تعلیمی -----	۸۳	حکایت: ان‌شاءالله -----
۱۵۰	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به ادبیات تعلیمی -----	۸۵	درس سیزدهم: ادبیات انقلاب -----
۱۵۱	درس هفتم: گروه اسمی -----	۸۸	درس چهاردهم: یاد حسین (ع) -----
۱۵۳	تمرین‌های مربوط به گروه اسمی -----	۹۱	روان‌خوانی: شوق آموختن -----
۱۵۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به گروه اسمی -----	۹۴	درس پانزدهم: درس آزاد -----
۱۵۷	پاسخ تشریحی تمرین‌های مربوط به گروه اسمی -----	۹۶	درس شانزدهم: پرندۀ آزادی -----
۱۵۹	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای گروه اسمی -----	۹۸	کودکان سنگ -----
۱۶۰	درس هشتم: مثنوی -----	۱۰۰	درس هفدهم: راه خوشبختی -----
۱۶۲	تمرین‌های مربوط به قالب مثنوی -----	۱۰۳	روان‌خوانی: آن سوی پنجره -----
۱۶۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای قالب مثنوی -----	۱۰۴	نیایش -----
۱۶۵	پاسخ تشریحی مربوط به تمرین‌های مثنوی -----		

صفحه	عنوان
۲۱۷	بخش سوم (پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس)---
۲۱۸	درس اول: ستایش و پیش از اینها
۲۲۴	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول
۲۲۷	درس دوم: خوب جهان را ببین و ...
۲۳۳	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم
۲۳۵	درس سوم: ارمغان ایران و حکایت
۲۳۹	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم
۲۴۱	درس چهارم: سفر شکفتن
۲۴۵	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم
۲۴۷	درس ششم: راه نیک‌بختی
۲۵۰	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم
۲۵۲	درس هفتم: آداب نیکان
۲۵۷	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم
۲۵۹	درس هشتم: آزادگی
۲۶۳	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم
۲۶۵	درس نهم: نوجوان باهوش و ...
۲۶۹	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس نهم
۲۷۱	درس دهم: قلم سحرآمیز و ...
۲۷۴	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دهم
۲۷۶	درس یازدهم: پرچم‌داران و ...
۲۸۰	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم
۲۸۲	درس دوازدهم: شیر حق
۲۸۶	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوازدهم
۲۸۷	درس سیزدهم: ادبیات انقلاب
۲۹۰	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سیزدهم
۲۹۱	درس چهاردهم: یاد حسین و ...
۲۹۴	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهاردهم
۲۹۵	درس شانزدهم: پرنده آزادی و کودکان سنگ
۲۹۸	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس شانزدهم
۲۹۹	درس هفدهم: راه خوشبختی و ...
۳۰۴	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفدهم

صفحه	عنوان
۱۶۷	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای مثنوی
۱۶۸	درس نهم: صفت بیانی
۱۷۰	تمرین‌های مربوط به صفت بیانی
۱۷۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت بیانی
۱۷۳	پاسخ تشریحی تمرین‌های صفت بیانی
۱۷۳	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت بیانی
۱۷۵	درس دهم: جناس
۱۷۶	تمرین‌های آرایه جناس
۱۷۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه جناس
۱۸۰	پاسخ تشریحی تمرین‌های آرایه جناس
۱۸۱	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای جناس
۱۸۲	درس یازدهم: صفت اشاره و صفت شمارشی
۱۸۴	تمرین‌های مربوط به صفت اشاره و صفت شمارشی
۱۸۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت اشاره و شمارشی
۱۸۷	پاسخ تشریحی تمرین‌های صفت اشاره و شمارشی
۱۸۹	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت‌های اشاره و شمارشی
۱۹۰	درس دوازدهم: صفت پرسشی و صفت تعجبی
۱۹۲	تمرین‌های مربوط به صفت پرسشی و تعجبی
۱۹۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت‌های پرسشی و تعجبی
۱۹۵	پاسخ تشریحی تمرین‌های صفت پرسشی و تعجبی
۱۹۶	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت‌های پرسشی و تعجبی
۱۹۷	درس سیزدهم: کنایه
۱۹۸	تمرین‌های مربوط به آرایه کنایه
۱۹۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنایه
۲۰۱	پاسخ تشریحی تمرین‌های کنایه
۲۰۲	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنایه
۲۰۳	درس چهاردهم: ردیف
۲۰۴	تمرین‌های ردیف
۲۰۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای ردیف
۲۰۷	پاسخ تشریحی تمرین‌های ردیف
۲۰۸	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ردیف
۲۰۹	درس شانزدهم: صفت مبهم
۲۱۰	تمرین‌های صفت مبهم
۲۱۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت مبهم
۲۱۳	پاسخ تشریحی تمرین‌های صفت مبهم
۲۱۴	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت مبهم
۲۱۵	درس هفدهم: ترجمه

مقدمه

به نام خدا

«خدا را بر آن بنده، بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است»

خداوند بزرگ را دوچندان سپاسگزارم که توانستم با کمی وقت و دشواری‌های بسیار که در مسیر راه وجود داشت، فارسی هشتم را به موقع تألیف کنم و به تمام دوستداران زبان فارسی سرزمینم، تقدیم نمایم. این کتاب از سه بخش، تشکیل شده است:

- ۱- بخش اول: مربوط می‌شود به شرح و بررسی لغت‌ها، شعرها و نثرهای دشوار، به ترتیب درس‌ها.
 - ۲- بخش دوم: اختصاص دارد به بررسی تمام دانش‌های زبانی و ادبی، همراه با تمرین‌ها و پرسش‌های چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی.
 - ۳- بخش سوم: طراحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس، به صورت دستور، لغت، مفهوم، آرایه‌های ادبی و .. همراه با پاسخ تشریحی.
- در پایان، قدردان لطف و محبت آن‌هایی هستم که همواره یار و یاور بنده در تألیف این کتاب بوده‌اند؛ از آن جمله:

دوست گرامی آقای کمال حسینی (از کردستان) که بدون هیچ چشم داشتی، این کتاب را با دقت بسیاری، ویراستاری علمی کرده‌اند؛ همراه همیشگی ام آقای جواد باحشمت جویباری (از مازندران) که ویراستار بخشی از کتاب بوده‌اند؛ خانم‌ها آزاده و آویشن امیدمهر که هم‌چون گذشته، دلسوزانه، کتاب را ویراستاری کرده‌اند؛ آقای علیرضا چنگیزی، خانم شهناز عبادتی، آقای سیدجمال طباطبایی‌نژاد، آقای ستار جانعلی‌پور ویراستار (از رشت) و آقای تیمور رضایی که پیشنهادهای سازنده‌ای داده‌اند.

هم‌چنین از آقای خدایار مبین، آقای خاتمی (مدیر فروش)، خانم مرادی (مدیر تولید)، خانم فیروزه مرادی (حروف‌چین)، خانم سمانه ایمان‌فرد (طراح)، خانم مینا هرمزی (طراح جلد) و خانم رویا صدر، سپاسگزارم که در چاپ این کتاب، نقش بسزایی داشته‌اند.

همواره، منتظر پیشنهادهای بجای شما عزیزان خواهم ماند.

پاینده باشید!

حمید طالب‌تبار



بخش اول

شرح و معنی تمام بیت‌ها و جمله‌های
دشوار کتاب به ترتیب درس‌ها



ستایش

وی طلعت روی تو زینت ده عنوان ما

ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان ما

تاریخ ادبیات

مستوره کردستانی: (۱۲۶۴ - ۱۲۲۰ هـ. ق) «ماه شرف خانم» فرزند ابوالحسن مستوره کردستانی، متولد ۱۲۲۰ قمری در شهر سنندج، شاعری است که به دو زبان فارسی و کردی، شعر سروده است. او را نخستین زن تاریخ‌نویس کرد در ایران، شمرده‌اند. «دیوان شعر» و «تاریخ اردلان» از آثار اوست.

ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها

وی طلعت روی تو، زینت ده عنوان‌ها

معنی: ای خدایی که نام خوب تو، سرآغاز تمام کتاب‌ها است و چهره درخشان تو، زینت‌بخش (زیبا کننده) هر عنوانی است.

➤ **طلعت:** درخشندگی

دیوان‌ها: کتاب‌های شعر شاعران

➤ **دفتر:** کتاب، مجموعه شعر و نوشته، دیوان

«به نام خدایی که جان آفرید»

برگرفته از: بوستان سعدی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

حکیم: دانا، از نام‌های خداوند	متفق: هم فکر، هم رأی، هم‌داستان
دستگیر: یاریگر، مددکار	الهیت: خدایی
کریم: بخشنده	فرمانده: درمانده، عاجز شده، ناتوان
خطابش: کسی که اشتباهات انسان را نادیده می‌گیرد	کُیه: پایان و حقیقت چیزی، ذات
پوزش‌پذیر: پذیرندهٔ پوزش	ماهیت: حقیقت، ذات، چیستی
پرستار: فرمانبردار، مطیع	ماورا: پشت سر، آن سوی، در پی، آنچه در پشت چیزی باشد.
بنی آدم: فرزندان آدم، انسان	جلال: عظمت، بزرگی
مرغ: پرنده	بصر: بینایی، بینش، چشم
مور: مورچه	مُنْتها (مُنْتهی): به پایان رساننده، آخر
بخت: بهره، قسمت، اقبال	جمال: زیبایی، نیکویی
اندر: در	تأمل کردن: اندیشیدن، درنگ کردن
خلیل: لقب حضرت ابراهیم (ع) به معنی دوست خالص	صفا: پاکی، پاک‌دلی، پاکیزگی، خلوص
نیل: رودخانه‌ای بزرگ در کشور مصر	مُحال: ناشدنی، غیرممکن

نفت‌های ستاره‌دار در آخر کتاب درسی معنی شده‌اند.

محوای شری

این درس، مانند تمام درس‌های آغازین کتاب‌های فارسی، مناجات (تحمیدیه) است. راز و نیاز با خداوندی که آرامش‌بخش دل‌هاست و کارگشای همهٔ مشکلات پندگانش می‌باشد.

شاعر در این شعر به آگاهی و عظمت خداوند اشاره می‌کند و می‌داند که انسان‌ها نمی‌توانند بزرگی خداوند را سپاس بگویند و وجودش را بشناسند. خداوند از همه چیز و همه کس آگاه است، پس انسان‌ها باید در مسیر پاکی و درستی گام بردارند و این کار با پیروی کردن از پیامبر (ص) امکان‌پذیر می‌گردد.

معنی بیت‌ها

بیت ۱: به نام خداوندِ جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

معنی: به نام خداوند دانایی [آغاز می‌کنم] که انسان را آفرید و به او سخن گفتن را آموخت.

آرایه: تلمیح دارد به آیه‌های «خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (= انسان را آفرید و به او بیان (= سخن گفتن) آموخت).

نکته دستوری: این بیت از یک جمله تشکیل شده است که فعل «آغاز می‌کنم» محذوف است.

توضیح بیشتر

تلمیح: اشاره به آیه، حدیث و داستان در شعر یا نثر؛ یعنی نویسنده یا شاعر در اثرش به مفهوم آیه یا حدیثی اشاره کند یا این‌که، یکی از داستان‌های عاشقانه، عارفانه و قرآنی را بیان کند؛ مانند:

قصه‌های عشق مجنون می‌کند

نی حدیثِ راهِ پُر خون می‌کند

این بیت تلمیح دارد به داستان عاشقانه لیلی و مجنون که در ادبیات فارسی، بسیار معروف است.

باز جوید روزگار وصل خویش

هر کسی کاو (= که او) دور ماند از اصل خویش

این بیت به بازگشت انسان به سوی خداوند اشاره دارد و تلمیح دارد به آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

بیت ۲: خداوندِ بخشندهٔ دسـتـگـیرِ کریمِ خطـابـخـشِ پـوزـشـپـذیر**معنی:** خداوندی که انسان را در کارها، یاری می‌کند و خطاهایش را نادیده می‌گیرد و عذرش را می‌پذیرد.**آرایه:** دستگیر ← کنایه از یاری کننده / تکرار مصوت (صدای) «ب» ← واج‌آرایی / تکرار حرف «ش» ← واج‌آرایی
نکته دستوری: بخشنده، دستگیر، خطابخش و پوزش‌پذیر، صفت هستند و بیت از چهار ترکیب وصفی تشکیل شده است:

۱- خداوند بخشنده ۲- [خداوند] دستگیر ۳- کریم خطابخش ۴- [کریم] پوزش‌پذیر

بیت ۳: پرستارِ امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس**معنی:** همه موجودات، مطیع و فرمانبردارِ دستورِ خداوند هستند.**آرایه:** مرغ، مور و مگس ← مراعات نظیر / بنی آدم و مرغ و مور و مگس ← مجازاً همه موجودات**نکته دستوری:** بیت، یک جمله دارد. / همه چیز و کس، نهاد و پرستار امرش، مُسند است. فعل «هستند» هم در بیت، حذف شده است.
بیت ۴: یکی را به سر، برنهد تاجِ بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت**معنی:** خداوند هر کسی را بخواهد به اوج بزرگی و عظمت می‌رساند و هر کسی را که بخواهد عظمتش را می‌گیرد و به پستی و خواری می‌رساند.**آرایه:** تاج بر سر نهادن ← کنایه از به عظمت و خوشبختی رساندن / تاج بخت ← اضافهٔ تشبیهی / از تخت به خاک آوردن ← کنایه از پست کردن / بخت و تخت ← جناس / این بیت تلمیح دارد به آیه «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (= هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی و هر که را بخواهی پست می‌کنی). / سر، تاج و تخت ← مراعات نظیر / مفهوم کنایی «تاج بر سر نهادن» و «از تخت به خاک آوردن» ← تضاد
نکته دستوری: بیت، دو جمله دارد. / «را» در مصراع اول، فَكِّ اضافه است ← تاج بخت [را] به سر یکی، برنهد. / «را» در مصراع دوم، نشانهٔ مفعول است.**مفهوم بیت** ← خدا هر کس را بخواهد به عظمت و بزرگی می‌رساند و یا هر کس را بخواهد به خفت و خواری می‌رساند.

با بیت‌های زیر قرابت معنایی دارد. (= ارتباط معنایی دارد.)

عزیزی و خواری تو بخشی و بس
یکی را ز ماه اندر آری به چاه
گروهی بر آتش برد ز آب نیلعزیزی و خواری تو بخشی و بس
یکی را ز ماه اندر آری به چاه
گلستان کند آتشی بر خلیل

جناس: به کلمه‌هایی گفته می‌شود که دارای حروفی مشترک هستند و از يك جنس می‌باشند؛ مانند:

همدم گل نمی‌شود یادِ سَمَن نمی‌کند

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند

چمن با سمن ← جناس ناقص اختلافی (= اختلاف در حرفِ اوّل)

چمان و چمن ← جناس افزایشی (= چمان يك حرف بیشتر از چمن دارد).
برای آشنایی بیشتر با آرایه جناس به بخش دوم همین کتاب (= درس دهم) مراجعه کنید.

توضیح بیشتر

«را» فک اضافه، بین مضاف و مضاف‌الیه می‌آید و مضاف‌الیه را بر مضاف مقدم می‌کند؛ یعنی اول مضاف‌الیه می‌آید و بعد، مضاف می‌آید؛ مانند: فلك را سقف بشکافیم ← سقف فلك را ...

بیت ۵: گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برآید ز آب نیل

معنی: [خداوند] آتش نمرود را بر ابراهیم (ع) گلستان می‌کند و فرعونیان را در آب نیل، غرق می‌کند و به دوزخ (جهنم) می‌برد.

آرایه: مصراع اول تلمیح دارد به آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع) و به آیه ۶۸ سوره انبیا: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَّ سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ». مصراع

دوم تلمیح دارد به غرق کردن فرعونیان و از آن‌جا به آتش جهنم فرستادن آن‌ها. / آتش و آب ← تضاد

بیت ۶: به درگاه لطف و بزرگیش بر / بزرگان نهاده بزرگی ز سر

معنی: بزرگان در برابر خداوند، بزرگی و عظمتشان را فراموش می‌کنند و فروتنی و تواضع، اختیار می‌کنند.

آرایه: بر و سر ← جناس / از سر نهادن ← کنایه از: از یاد بردن / تکرار واژه بزرگی / تکرار «ب» و «ز» ← واج‌آرایی

نکته تاریخی: گاهی در گذشته، برای یک متمم، دو حرف اضافه می‌آوردند که به این نوع متمم، متمم تأکیدی می‌گفتند ← به درگاه لطف و بزرگیش بر (به و بر، دو حرف اضافه هستند).

مفهوم بیت ← ترک غرور و خودخواهی در برابر خداوند (= فروتنی و تواضع کردن)

با بیت‌های زیر قرابت معنایی (= ارتباط معنایی) دارد:

گمان کی برآید مردم هوشمند	که در سرگرانی (= بی‌اعتنایی) است قدر بلند؟
به دولت، کسانی سرفراختند	که تاج تکبر (= غرور) بینداختند
گناه ناز و تکبر بنه، کمر بگشای	که چون تو سرو ندیدم که در قبا گنجد
بیت ۷: جهان متفق بر الهیتش	فرومانده از گناه ماهیتش

معنی: انسان‌ها در اقرار به خدایی او، همفکر هستند، اما از شناخت ذات خداوند، ناتوان می‌باشند.

آرایه: جهان ← مجازاً مردم جهان (انسان‌ها) / فروماندن ← کنایه از ناتوانی و بیچارگی

نکته دستوری: بیت دو جمله دارد که فعل «است» در پایان مصراع‌های اول و دوم، حذف شده است. / متفق، مسند است (= جهان بر الهیتش، متفق است)

مفهوم بیت ← انسان‌ها نمی‌توانند عظمت خدا را درک بکنند و او را توصیف کنند.

با بیت‌های زیر قرابت معنایی (= ارتباط معنایی) دارد:

بشر، ماورای جلالش نیافت	بصر، منتهای جمالش نیافت
هرچه در وصف تو گویند و کنند اندیشه	آن همه دون حق توست و برتر از آنی
نیابد بدو نیز، اندیشه راه	که او برتر از نام و از جایگاه
مرا سخن به نهایت رسید و فکر به پایان	هنوز وصف جمالت نمی‌رسد به نهایت

بیت ۸: بشـر، ماورای جلالش نیافتت بَصَر، مُنتهای جمالش نیافتت

معنی: انسان، موجودی راه، بزرگتر، با عظمت‌تر و زیباتر از خداوند ندید. (انسان‌ها حقیقت جلال و جمال خداوند را درک نمی‌کنند.)

آرایه: جلال و جمال ← جناس / بَصَر ← مجازاً انسان / نیافتن به بصر نسبت داده شده ← تشخیص / بشر و بَصَر ← جناس
نکته دستوری: بیت، دو جمله دارد. / «ماورا» و «مُنتها»، مفعول هستند.

توضیح بیشتر

مجاز: هر واژه يك معنای اصلی و يك یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه، معنای حقیقی و به معنای غیر اصلی آن، معنای مجازی می‌گویند؛ کلمه‌ای که در معنای غیر حقیقی به کار رفته باشد؛ «مجاز» نامیده می‌شود؛ مانند:
سرِ آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
در مصراع اوّل، «سر» در معنی واقعی خودش که جزئی از اندام انسان است، به کار نرفته است، بنابراین مجاز از «قصد و اندیشه» است؛ یعنی امشب، قصد و اندیشه‌ای ندارد که آفتاب، طلوع کند.

بیت ۹: تأمّل در آیینۀ دل کنی صفایی به تدریج، حاصل کنی

معنی: اگر به درون خودت (به دل) بیش‌تر توجه کنی، کم‌کم، وجودت پاک می‌شود.

توجه: از نگاه عارفان، زمانی دل مظهر تجلّی نور خداوند می‌شود که از آلودگی‌ها پاک باشد.

آرایه: آیینۀ دل ← اضافه تشبیهی (دل ← مُشَبّه / آیینه ← مشبّه‌به)

نکته دستوری: بیت، دو جمله دارد. / آیینه ← متمّم / آیینۀ دل ← ترکیب اضافی / صفایی ← مفعول / به تدریج ← قید
بیت ۱۰: مُحال است سعدی که راهِ صفا توان رفت جز بر پی مصطفی

معنی: [ای] سعدی، پاک شدن از آلودگی‌ها، جز با پیروی از شیوه پیامبر (ص)، غیرممکن است.

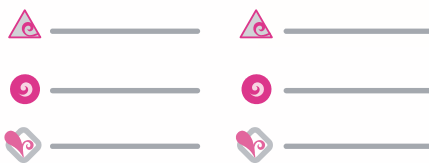
□ مصطفی ← برگزیده و خالص و پاک شده، لقب پیامبر (ص)

نکته دستوری: بیت، سه جمله دارد. / سعدی ← منادا (حرف ندا هم محذوف است).

واژه‌های مهم املا

خطابخش - پوزش‌پذیر - متّفق - الهیتش - گُنه - ماهیتش - ماورای جلالش - بَصَر - مُنتهای جمالش - تأمّل - صفایی - به تدریج - حاصل - مُحال - مصطفی

نمودار قالب شعر



این شعر در قالب مثنوی سروده شده است.

چشم دل بازکن که جان بینی

آنچه نادیدنی است، آن بینی

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است، آن بینی

معنی بیت: از راه دل و عرفان (بصیرت)، خداوند را ببین. حقیقت‌هایی را که با چشم ظاهری و مادی نمی‌توانی ببینی، از راه دل، درک می‌کنی.

آرایه: چشم دل ← تشخیص / جان و آن ← جناس / تکرار «ن» ← واج آرایبی / چشم، دل و جان ←

مراعات نظیر

نکته دستوری: چشم دل، جان و آن، مفعول هستند.

تاریخ ادبیات

هاتف اصفهانی: سید احمد (درگذشت ۱۱۹۸ ه. ق) از شاعران دوره افشاریه و زندیه است. در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد. «ترجیع‌بند» عرفانی وی نیز معروف است.

زیبایی آفرینش

فصل اول

درس ۱

پیش از اینها

شاعر: قیصر امین‌پور

قالب شعر: مثنوی (= به قول پرستوها)

معنی واژه‌ها بر ترتیب بیت‌ها

➤ نیت: قصد، آهنگ، عزم	➤ پیش از اینها: قبلاً، در گذشته
➤ دلگیر: ناراحت، غمگین	➤ خشت: آجر، آجر خام
➤ خلوت: دور از دیگران، تنهایی	➤ بُرج: ساختمان‌های بلند، قصر
➤ ریا: دورویی، نفاق (بی‌ریا: بدون دورویی)	➤ عاج: دو دندان پیش و بالایی فیل‌ها که بسیار گران بها است.
➤ بوریا: حصیری که از نی می‌سازند.	➤ طنین: آهنگ، انعکاس صدا
➤ گلیم: نوعی فرش	➤ نعره: فریاد بلند
➤ کینه: دشمنی، نفرت	➤ توفنده: پُرخروش، خروشان، غوغا کننده

محتوای شعر

این شعر به زبان امروزی و ساده و روان است و دارای لحن توصیفی می‌باشد. شاعر در این شعر، تجربه یک نوجوان را نسبت به جهان هستی و آفریننده آن مطرح می‌کند و در پایان با آفریننده هستی، صمیمی‌تر می‌شود. شاعر در این شعر به ما کمک می‌کند که نسبت به شناخت خداوند از اندیشه و تفکر خودمان بهره بگیریم و درک کنیم که خداوند بسیار مهربان و دوست‌داشتنی است. این شعر، در حقیقت، علاقه و ایمان ما را نسبت به خداوند بزرگ، تقویت می‌کند.

معنی بیت‌ها

بیت ۱: پیش از اینها، فکر می‌کردم خدا خانسه‌ای دارد میان ابرها

معنی: در گذشته فکر می‌کردم که خدا در میان ابرها خانه دارد و زندگی می‌کند.

نکته دستوری: بیت، دو جمله دارد. / خدا ◀◀ نهاد / خانه‌ای ◀◀ مفعول / میان ابرها ◀◀ قید

بیت ۲: مثل قصر پادشاه قصه‌ها خشتی از الماس و خشتی از طلا

معنی: آجرهای خانه‌اش مانند قصر پادشاه قصه‌ها، از الماس و طلا، ساخته شده است.

آرایه: مثل قصر ◀◀ تشبیه / الماس و طلا ◀◀ مراعات‌نظیر / تکرار «ب» در مصراع اول ◀◀ واج‌آرایی

نکته دستوری: قصر ◀◀ متمم

بیت ۳: پایه‌های بُرجش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور

معنی: پایه‌های بُرجش (قصرش) از عاج فیل و بلورهای گران قیمت ساخته شده است و خدا بر روی تختی، با غرور و خودخواهی، نشسته است.

آرایه: از عاج و بلور بودن ◀◀ به کنایه، با ارزش و قیمتی بودن

نکته دستوری: بیت، دو جمله دارد. / پایه‌های بُرجش ◀◀ نهاد / سر و غرور ◀◀ متمم



بیت ۴: ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره، پولکی از تاج او

معنی: [فکر می‌کردم] ماه، نور کوچکی از تاج خداست و ستاره‌ها در واقع، پولک‌های براق تاج خدا هستند.

آرایه: ماه به برق و ستاره به پولک، تشبیه شده است. / ماه و ستاره ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: این بیت دو جمله است که در پایان هر مصراع، فعل «است» حذف شده است.

بیت ۵: رعد و برق شب، طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

معنی: رعد و برق ترسناک، صدای خنده خداوند است و سیل و طوفان، همان فریاد بلند و وحشتناک او می‌باشد.

نکته دستوری: بیت از دو جمله تشکیل شده است که در پایان هر دو مصراع، فعل «است» حذف شده است.

بیت ۶: هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش، راه نیست

معنی: هیچ کس نمی‌داند که او در کجا زندگی می‌کند و هیچ کس هم اجازه دیدن او را ندارد.

آرایه: «را» و «راه» ← جناس / راه نیست (= نداشتن) ← کنایه از پذیرفته نشدن

نکته دستوری: بیت از دو جمله تشکیل شده است. / آگاه ← مسند / راه ← نهاد / «را» در مصراع دوم، به معنی «برای»، حرف اضافه و

«هیچ کس» متمم است. (= برای هیچ کس) / «نیست» در مصراع دوم به معنی «وجود ندارد» است و فعل غیراسنادی است.

بیت ۷: آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین خانه‌اش در آسمان، دور از زمین

معنی: آن خدایی که من در ذهن داشتم، بسیار سنگدل و عصبانی بود. او در آسمان خانه داشت و از مردم دور بود.

آرایه: آسمان و زمین ← مراعات‌نظیر و تضاد

نکته دستوری: بیت، سه جمله دارد: «بود» بعد از خشمگین و «است» در پایان مصراع دوم حذف شده است.

بیت ۸: بود، اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود

معنی: خدا وجود داشت، اما از ما دور بود. او مهربان و صمیمی و زیبا نبود.

نکته دستوری: بیت سه جمله دارد. / «بود» و «نبود» در مصراع اول، به معنی «وجود داشتن» است و غیر اسنادی می‌باشد.

فعل «نبود» در مصراع دوم، اسنادی است و «مهربان و ساده و زیبا» مسند است.

بیت ۹: در دل او، دوستی جایی نداشت مهربانی هیچ معنایی نداشت

معنی: در وجود او، عشق و دوستی جا نداشت و نسبت دادن مهربانی و محبت به او بی‌معنی بود.

نکته دستوری: بیت از دو جمله تشکیل شده است. / جایی و هیچ معنایی ← مفعول

بیت ۱۰: هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها

معنی: هر چه از دیگران درباره خودم، خدا، زمین و آسمان می‌پرسیدم،

توجه: این بیت، موقوف‌المعانی است، یعنی معنی این بیت با بیت بعدی کامل می‌شود.

آرایه: تکرار «ز» ← واج‌آرایی / زمین و آسمان ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: می‌پرسیدم، جمله چهار جزئی (= چهاربخشی) با مفعول و متمم است. / هر چه ← مفعول / خود، زمین، آسمان و ابرها ← متمم

بیت از یک جمله تشکیل شده است.

بیت ۱۱: زود می‌گفتند: «این کار خداست پرس و جو از کار او کاری خطاست»

معنی: زود می‌گفتند که این کارها مربوط به خدا، است و پرسیدن درباره کار خدا، اشتباه است.

آرایه: کار، سه بار تکرار شده است. / تکرار «ک» و «ر» ← واج آرایی

نکته دستوری: بیت از سه جمله تشکیل شده است. / عبارت بعد از «می‌گفتند»، مفعول است؛ چه چیز را می‌گفتند؟ ← این کار خداست ... / این ← نهاد / کار خدا ← مسند

بیت ۱۲: نیت من در نماز و در دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا

معنی: قصد من از نماز خواندن و دعا کردن، فقط به خاطر ترس و وحشت از خشم خدا بود. (می‌ترسیدم که خدا از من عصبانی بشود).

آرایه: نماز و دعا ← مراعات نظیر / ترس، وحشت و خشم ← مراعات نظیر

نکته دستوری: بیت از دو جمله تشکیل شده است که فعل «بود» بعد از «خشم خدا» حذف شده است. / نیت من ← نهاد / ترس ← مسند / وحشت ← مسند

بیت ۱۳: پیش از اینها، خاطر من دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود

معنی: در گذشته (قبلاً) من، همیشه ناراحت و غمگین بودم و فکر می‌کردم خدا همیشه به این شکل خشمگین و بی‌رحم و نامهربان است.

نکته دستوری: بیت، دو جمله دارد. / در مصراع اول «بود»، اسنادی است و در مصراع دوم «بود» به معنی «وجود داشتن» فعل غیراسنادی است؛ بنابراین، «این تصویر» نهاد است.

بیت ۱۴: تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر

معنی: تا این که یک شب به همراه پدرم به قصد یک سفر، حرکت کردم.

نکته دستوری: بیت، یک جمله دارد. / نهاد «من» حذف شده است. / «یک شب» و «دست در دست پدر» ← قید

بیت ۱۵: در میان راه، در یک روستای رسیدیم و در آنجا خانه‌ای را دیدیم، خوب و آشنا

معنی: در میان راه، به یک روستایی رسیدیم و در آنجا خانه‌ای را دیدیم که بسیار خوب بود و برای ما آشنا بود.

نکته دستوری: بیت، یک جمله دارد. / خانه‌ای ← مفعول / خانه‌ای خوب و آشنا ← دو ترکیب وصفی (= خانه‌ای خوب و آشنا را دیدیم)

بیت ۱۶: زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟» گفت: «اینجا خانه خوب خداست»

معنی: زود پرسیدم [ای] پدر، این جایی که ما آمدیم، کجاست؟ [پدر] جواب داد: این‌جا، خانه خوب خدا (= مسجد)، است.

نکته دستوری: بیت دارای پنج جمله است. / پدر ← نهاد / اینجا ← نهاد / کجا ← مسند / اینجا ← نهاد / خانه خوب خدا ← گروه مسندی (= خوب ← صفت / خدا ← مضاف‌الیه)

بیت ۱۷: گفت: «اینجا می‌شود یک لحظه مانند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند

معنی: گفت: «در این‌جا، می‌توان، لحظه‌ای را در گوشه‌ای تنها شد و از روی صداقت، نماز خواند و با خدا راز و نیاز کرد.»

– نماز ساده: نمازی که از ظاهرپرستی دور باشد.

نکته دستوری: بیت دارای چهار جمله است. / «اینجا» و «یک لحظه» ← قید / گوشه‌ای خلوت ← ترکیب وصفی و قید / نمازی ساده ← ترکیب وصفی و مفعول

بیت ۱۸: با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت و گویی تازه کرد

معنی: می‌توان با وضو گرفتن دست و روی خود را شاداب کرد و از راه دل خود با خدا حرف زد.

نکته دستوری: بیت از دو جمله تشکیل شده است.

بیت ۱۹: گفتمش: «پس آن خدای خشمگین خانه‌اش اینجاست؟ اینجا در زمین؟»

معنی: به پدرم گفتم: پس آن خدای خشمگین، خانه‌اش همین‌جاست؟ در زمینی که ما هستیم، خانه دارد؟

نکته دستوری: «ش» در «گفتمش» ← متمم (= به او گفتم)

بیت ۲۰: گفت: «آری خانه‌ او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست

معنی: پدر گفت: درست است، خانه‌ خدا از دورویی و ظاهرپرستی، دور است. فرش‌های خانه‌اش از گلیم و حصیر ساده است.

آرایه: فرش، گلیم و بوریا ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: بیت از چهار جمله تشکیل شده است. / «آری» در این‌جا، یک جمله است.

بیت ۲۱: مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است

معنی: خداوند، مهربان و صمیمی است و از دشمنی و انتقام، دور می‌باشد و مانند نوری در دل انسان‌های خوب قرار دارد.

آرایه: مثل نوری ← تشبیه / دل آینه ← تشخیص / آینه، در این‌جا نماد «وجود انسان» است. (یعنی خدا در وجود انسان‌هاست.)

نکته دستوری: بیت، دو جمله دارد. / مهربان و ساده و بی‌کینه ← گروه مسندی / نوری ← متمم

بیت ۲۲: عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی»

معنی: خدا خشمگین نمی‌شود و با کسی دشمنی نمی‌کند. خدا نور و روشنایی است که وجود آدمی را پاک می‌سازد.

آرایه: تکرار «ش» ← واج‌آرایی / نام او نور، تلمیح دارد به آیه «الله نور السماوات و الارض» (= خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است.)

نکته دستوری: مصراع اول یک جمله است. مصراع دوم از دو جمله تشکیل شده است: (= نام او نور [است] و نشانش روشنی [است])

بیت ۲۳: تازه فهمیدم: خدایم این‌ خداست این‌ خدای مهربان و آشناست

معنی: تازه، متوجه شدم که خدای من، این خدای مهربان و آشنا است.

نکته دستوری: بیت، سه جمله دارد.

بیت ۲۴: دوستی از من به من نزدیک تر از رگ گردن به من نزدیک‌تر

معنی: خدا تنها دوستی است که به من بسیار نزدیک است حتی از رگ گردنم به من نزدیک‌تر می‌باشد.

آرایه: این بیت، تلمیح دارد به آخر آیه ۱۶ سوره «ق» ← وَ تَحَنُّ اَقْرَبَ اِلَيْهِ، مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ. (= ما به او از رگ گردن، نزدیک‌تریم.) /

نزدیک‌تر ← تکرار

نکته دستوری: بیت، سه جمله دارد که در پایان هر سه جمله، فعل «است» حذف شده: دوستی [است که] از من به من نزدیک‌تر [است] از رگ

گردن به من نزدیک‌تر [است].

بیت ۲۵: می‌توانم بعد از این، با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا

معنی: من بعد از این، می‌توانم با این خدای پاک و به دور از دورویی، دوست باشم.

قصر - قصه‌ها - الماس - بُرَجَش - عاج و بلور - غرور - رعد و برق - طنین - سیل و طوفان - نعرهٔ توفنده - حضور - پارس و جو - تصویر
- قصد - خلوت - وضویی - یوریا - بی‌کینه

❖ **قیصر امین‌پور:** (۱۳۸۶ - ۱۳۳۸ هـ. ش) استاد دانشگاه و شاعر معاصر، وی از شاعران موفق پس از انقلاب به شمار می‌آید. از آثار او می‌توان «در کوچهٔ آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه‌های ناگهان» را نام بُرد.

پاسخ بعضی از فعالیت‌های نوشتاری کتاب درسی

پرسش: ردیف و قافیه را در بیت‌های هشتم و هجدهم شعر «پیش از اینها» مشخص کنید.

پاسخ:

مهربان و ساده و زیبا نبود
ردیف قافیه

بود، اما در میان ما نبود
ردیف قافیه

با دل خود گفت و گویی تازه کرد
ردیف قافیه

با وضویی دست و رویی تازه کرد
ردیف قافیه

پرسش: سعدی در بیت زیر، به کدام داستان‌های دینی اشاره دارد؟

گروهی بر آتش برآورد ز آب نیل

گلستان کند آتشی بر خلیل

پاسخ: مصراع اول، تلمیح دارد به داستان حضرت ابراهیم (ع) که به دست نمرود به آتش افکنده شد. مصراع دوم، تلمیح دارد به داستان غرق

کردن فرعون و پیروان او و از همان جا آن‌ها را راهی جهنم کردن.

حکایت

به خدا چه بگویم؟

نوع نثر: ساده و روان

برگرفته از: رساله قشیریه

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

غلام: نوکر، خدمت کار، در این درس به معنی «چوپان» است. **انبوه:** بسیار، فراوان
ارباب: رئیس، سرور، صاحب
صحرا: بیابان، دشت
چرا: چریدن، علف خوردن حیوانات در علفزار
سُراغ: در این جا به معنی به نزد
هرگز: ابداً، به هیچ وجه (= قید نفی)
خداوند: صاحب

محتوای حکایت

تأکید بر امانت‌داری و نیکوکرداری است و به سخن الهی اشاره دارد که «امانت‌ها را به اهل و صاحب آن بازگردانید.» دیگر این‌که عالم، محضر خداوند است و پیوسته خداوند را باید در همه حال‌ها و لحظه‌ها، حاضر و ناظر دانست و به سمت کارهای ناشایست نباید رفت.

معنی جمله‌های دشوار

☆ روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا بُرد. گوسفندان در دشت سرگرم چَرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سُراغِ آن غلام (چوپان) رفت و گفت: «از این همه گوسفندانت، یکی را به من بده.»

معنی: یک روز چوپانی گوسفندانِ صاحبش را برای چریدن به دشت و بیابان بُرد. گوسفندان در دشت مشغول چَردن بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن گوسفندان زیاد و فراوان به نزد آن چوپان رفت و به او گفت: «این همه گوسفندی که تو داری، یکی را به من بده.»

آرایه: گوسفند، صحرا و چَرا ← مراعات نظیر

نکته دستوری: «ش» در «اربابش» ← مضاف‌الیه / سرگرم چَرا ← مُسند / مسافری ← نهاد / «ت» در «گوسفندانت» ← مضاف‌الیه (= از این همه گوسفندانِ خودت) / یکی ← مفعول

☆ چوپان گفت: «نه، نمی‌توانم این کار را بکنم؛ هرگز!»

مسافر گفت: «یکی را به من بفروش.»

چوپان گفت: «گوسفندان از آن من نیست.»

مرد گفت: «خداوندش را بگویی که گرگ بُرد.»

غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟!»

معنی: مرد چوپان [به مسافر] گفت: «من اصلاً (= هرگز) نمی‌توانم یکی از گوسفندان را به تو بدهم.» مسافر گفت: «یکی از گوسفندان را به من بفروش.» چوپان گفت: «گوسفندان، مالِ (= متعلق) من نیست.» مرد مسافر گفت: «به صاحب این گوسفندان بگو که گرگ، گوسفندان را خورد.» چوپان [در جواب مسافر] گفت: «به خداوندِ بزرگ که آفریننده ماست، نمی‌توانم دروغ بگویم.»

نکته دستوری: آن (= از آن من نیست) با کسره (-) به کار رفته است؛ بنابراین ضمیرِ ملکی (= مالکیت) است. / «را» (= خداوندش را بگویی) به معنی «به»، حرف اضافه است و «خداوند» متمم است. (= به خداوندش بگو). / «ش» در «خداوندش» ← مضاف‌الیه (= خداوند او)

توجه: در این حکایت، منظور از «خداوند»، صاحب گوسفندان است و نباید با «خداوند آفریننده» اشتباه بکنیم.

تاریخ ادبیات

رساله قشیریه: ابوالقاسم قشیری از عارفان قرن پنجم است. اصل این کتاب به زبان عربی است و یکی از شاگردان قشیری آن را به زبان فارسی برگردانده است. موضوع این کتاب، معرفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات و الفاظ رایج میان آن‌هاست. این اثر با تصحیح و تعلیقات استاد فروزانفر به چاپ رسیده است.

درس ۲

خوب جهان را ببین

برگرفته از: نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

دلیل: جمع دلالت، آنچه برای ثابت کردن امری بیاورند،	دفع: راندن، دور کردن
حُجَّت، بُرهان‌ها	جُنَه: بدن، پیکر
روشن: آشکار، واضح، قطعی	خلقت: آفرینش
شگفتی: تعجب، حیرت، عجیب بودن	جایگاه ویژه: مکان مخصوص، جای خاصی
خالق: آفریننده	انباشته: پُر
بی‌همتا: بی‌مانند، بی‌نظیر	گوی: انگار
اسرار: ج‌سَر، رازها	ناخدا: کشتی‌بان
حکیمانه: خردمندانه، عالمانه	خزان: پاییز
دیده‌ها: چشم‌ها	برافراشته: بلند کرده، برپا کرده
چونان: مانند	زر ناب: طلای خالص
روزی: خوراک	فراز: بلندی، بالا
در هم بشکنند: از بین بروند	یال: موهای بلند روی گردن اسب، در این‌جا پره‌های گردن
چندان: آن اندازه	طاووس است.
حَدَاقَه: مردمک چشم، کاسه چشم	کاکُل: موی جلوی سر، موی سر، در این‌جا پَرهای بالای سر
پیشین: جلو، آنچه در جلو قرار دارد.	طاووس
داس: وسیله‌ای تیز و بُرنده که به شکل منحنی است.	پندار: وهم، گمان، فکر
اشیا: چیزها (اشیا جمع شیء)	جلوه: ظاهر، پیدایی

محتوای درس

مفهوم این درس، تعلیمی و اندرزی است؛ امّا لحن توصیفی هم در آن دیده می‌شود. در این درس همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، تأکید امام علی (ع) بر خوب دیدن و دقت و تفکر در جهان آفرینش است.

در سراسر درس، به قدرت خداوند در خلقت موجودات و دیگر پدیده‌ها اشاره شده است. موجوداتی که به راحتی در جهان هستی به زندگی خود ادامه می‌دهند.

معنی جمله‌های دشوار

☆ اگر اندیشه‌ات را به کارگیری تا بتوانی به راز آفرینش پی ببری، دلایلی روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک، همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست.

□ اگر اندیشه‌ات را به کارگیری.

معنی: اگر از فکر و اندیشه خود استفاده کنی. (= بهره ببری)

□ آفریننده مورچه کوچک، همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست.

معنی: خدایی که مورچه کوچک را آفرید، همان خداوندی است که درخت بزرگ خرما را به وجود آورده است. (= خلق کرده است).

آرایه: به کار گرفتن ← کنایه از استفاده کردن / کوچک و بزرگ ← تضاد / درخت و خرما ← مراعات‌نظیر

کلمه‌وتوری: «ت» در «اندیشه‌ات» ← مضاف‌الیه / اندیشه‌ات ← ترکیب اضافی (= مضاف و مضاف‌الیه) / راز آفرینش ← ترکیب اضافی /

دلایلی روشن ← ترکیب وصفی (= موصوف و صفت) / مورچه کوچک ← ترکیب وصفی / درخت بزرگ ← ترکیب وصفی

☆ از شگفتی‌های آفرینش خالق بی‌همتا، اسرار پیچیده حکیمانه در آفریدن خفاشان است. روشنی روز که همه چیز را می‌گشاید، چشمانشان را می‌بندد؛ زیرا خفاش از حرکت در نور درخشان، ناتوان است و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می‌برد، چشمان آنها را باز می‌کند؛ پس از دو روز پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌ها می‌اندازد و شب را چونان چراغی برمی‌گزیند تا در پرتو تاریکی آن، روزی خود را جست‌وجو کند.

معنی: از آفرینش عجیب خداوند بی‌مانند، رازهای پیچیده خردمندانه و عالمانه در به وجود آوردن (= خَلق کردن) خفاش‌ها است. روشنایی روز که همه چیز را آشکار و قابل دیدن می‌کند، چشم‌های خفاش را می‌بندد (= نابینا می‌کند)؛ زیرا خفاش در روز از دیدن، عاجز و ناتوان است و تاریکی شب که همه موجودات را در خواب و آرامش فرو می‌برد، چشم‌های خفاش را بینا می‌کند، بنابراین، خفاش در روز چشم‌هایش را می‌بندد (= می‌خوابد) و شب را مانند چراغی، انتخاب می‌کند تا در روشنایی آن (= شب که مانند چراغ است)، غذا و خوراک خود را به‌دست آورد.

آرایه: می‌گشاید و می‌بندد ← تضاد / می‌بندد (= بستن) به روشنی روز نسبت داده شده ← جان‌بخشی (= تشخیص) / شب و روز ← تضاد / تاریکی و نور ← تضاد / خواب فرو می‌برد و باز می‌کند ← تضاد / پلک‌ها را بر سیاهی دیده (= مردمک) می‌اندازد ← کنایه از چشم‌ها را می‌بندد (= می‌خوابد) / می‌اندازد، برمی‌گزیند و کند ← سجع / شب چونان (= مانند) چراغ است ← تشبیه (= شب ← مشبه / چونان ← ادات تشبیه / چراغ ← مشبه‌به) / پلک، دیده (= چشم) ← مراعات‌نظیر / روز و روزی ← جناس
نکته دستوری: شگفتی‌های آفرینش ← ترکیب اضافی / خالق بی‌همتا ← ترکیب وصفی / اسرار پیچیده ← ترکیب وصفی / اسرار حکیمانه ← ترکیب وصفی / «همه چیز»، «چشمانشان»، «هر چیز» و «چشمان آنها» ← مفعول

توضیح بیشتر

سجع: آرایه سجع همانند قافیه در شعر است؛ یعنی آوردن کلماتی در پایان جمله‌های نثر که در اهنگ و حرف آخر (= یا حروف آخر) مشترک باشند.

نکته:

۱- سجع در عبارتی دیده می‌شود که دست‌کم، دو جمله باشد.
۲- اگر در پایان جمله‌ها کلمه‌های تکراری وجود داشته باشد، سجع قبل از آن می‌آید؛ به عبارت دیگر، سجع می‌تواند مثل قافیه، ردیف هم داشته باشد؛ مانند:

الهی اگر بهشت چون چشم و چراغ است بی دیدار تو درد و داغ است.
سجع ردیف

۳- گاهی در جمله‌هایی که سجع وجود دارد، ممکن است فعل‌ها حذف شوند؛ مانند:
منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
سجع

در این عبارت، فعل «است» بعد از «مزید نعمت» حذف شده است. (= به شکر اندرش مزید نعمت [است])

☆ پروردگار، بال‌هایی برای پرواز آنها آفرید، این بال‌ها همانند لاله‌های گوش‌اند؛ بی‌پر و بدون رگ‌های اصلی، اما تو جای رگ‌ها و نشانه آن را به خوبی، می‌بینی؛ بال‌هایی که، نه آن قدر نازک هستند که درهم بشکنند و نه چندان محکم که سنگینی کنند.

آرایه: این بال‌ها همانند لاله‌های گوش‌اند ← تشبیه (= این بال‌ها ← مشبه / همانند ← ادات تشبیه / لاله‌های گوش ← مشبه‌به / بی‌پر و بدون رگ‌های اصلی ← وجه شبه) / بال، گوش، پر و رگ ← مراعات‌نظیر / نازک و محکم ← تضاد / درهم بشکنند ← کنایه از نابود شوند، از بین بروند، له شوند)

نکته دستوری: بال‌هایی ← مفعول / این بال‌ها ← نهاد / همانند لاله‌ها ← مُسند / گوش ← مضاف‌الیه / رگ‌ها ← متمم / رگ‌های اصلی ← ترکیب وصفی / جا ← مفعول / نازک و محکم ← مسند / فعل «هستند» بعد از «نه چندان محکم»، حذف شده است. (= نه چندان محکم [هستند])

نکته: گاهی مُسند از حرف اضافه و متمم، ساخته می‌شود؛ مانند:

پیراهنش از ابریشم است.

نهاد مسند فعل اسنادی

در جمله «این بال‌ها همانند لاله‌های گوش‌اند (= هستند)»، «همانند لاله‌ها» مسند است.

☆ در حالی که فرزندان‌شان به آنها چسبیده‌اند، پرواز می‌کنند. فرزندان از مادرانشان جدا نمی‌شوند تا آن هنگام که اندامشان نیرومند شود و بال‌ها، قدرت پرواز کردن پیدا کند و بدانند که راه زندگی کردن کدام است.

آرایه: فرزند و مادر ← مراعات‌نظیر / تکرار صامت «د» در (= قدرت پرواز کردن پیدا کند و بدانند) ← واج‌آرایی

نکته دستوری: فرزندان‌شان ← ترکیب اضافی (= فرزندان آنها) / مادرانشان ← ترکیب اضافی (= مادران آنها) ← اندامشان ← ترکیب اضافی (= اندام آنها) / «شان» در «فرزندان‌شان»، «مادرانشان» و «اندامشان»، مضاف‌الیه است. / «جدا»، «نیرومند» و «کدام» ← مسند

☆ اکنون اگر می‌خواهی، در مورد شگفتی آفرینشِ ملخ، سخن بگو که خدا برای او دو چشم سرخ و دو حدقه، چونان ماه تابان آفرید، و به او گوش پنهان، و دهانی متناسبِ اندامش بخشید. ملخ، حواسی نیرومند و دو دندان پیشین دارد که گیاهان را می‌چیند و دو پای داس مانند که اشیا را برمی‌دارد.

آرایه: چشم، حدقه، گوش، دهان و دندان ← مراعات‌نظیر / دو چشم سرخ و دو حدقه به ماه تابان مانند شده ← تشبیه (= دو چشم سرخ و دو حدقه ← مشبه / چونان ← ادات تشبیه / ماه تابان ← مشبه‌به) / تکرار صامت «د» در جمله «دو دندان پیشین دارد.» ← واج‌آرایی / پای داس مانند ← تشبیه (= پای [ملخ] به داس تشبیه شده).

نکته دستوری: دو چشم سرخ ← مفعول / چشم سرخ ← ترکیب وصفی / چونان (= مانند) ← حرف اضافه / ماه ← متمم / تابان ← صفت / ماه تابان، دهانی متناسب، حواسی نیرومند ← ترکیب وصفی

☆ کشاورزان از ملخ‌ها می‌ترسند و قدرت دفع آنها را ندارند؛ حتی اگر همه متحد شوند، ملخ‌ها، نیرومندانه وارد کشتزار می‌شوند و آنچه میل دارند، می‌خورند؛ در حالی که تمام اندامشان، به اندازه یک انگشت باریک نیست.

آرایه: کشاورزان و کشتزار ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: قدرت ← مفعول / متحد ← مسند / نیرومندانه ← قید